



امروز با سعدی شیراز

حذر کن ز پیکار کمتر کسی

همنی تا برآید به تدبیر کار
چون نساوان عدوا را به فوت شکست
گردانیده باشد ز خدمت گزند
عدو را بپسای خسک در بریز
چو دستنی نشاید گردن، بیوس
به تدبیر رستم درآید به بند
عدو را به فرصت نساوان کند پوست
حذر کن ز پیکار کمتر کسی

مدارای دشمن به از کارزار
به نعمت بپایند در فتنه بست
به تومود احسان زبانش بند
عدو را بپسای خسک در بریز
که با غالیان چاره زرق است و لوس
که اسفندبارش نجست از کند
پس او را اسدا را چنان کن که دوست
که از فطره سیلاب دادم بسی

یک خبر یک نگاه

پارک سرخه حصار محفوظ می ماند

خبر عبور اتوبان شهید شوشتری از میان پارک ملی سرخه حصار، در هفته گذشته عنوان شد. موجی از نگرانی را در میان مردم و فعالان حوزه محیط زیست به وجود آورد. پارک سرخه حصار که از سال ۱۳۵۹ در لیست آثار ملی قرار گرفته است، قرار بود تا اتوبانی را از میان خود گذارد که به گفته مسئولان، اثرات بسیار نامسی را در عبور و مرور شرق تهران به وجود می آورد اما گذران اتوبان از پارک ملی خود محل مناقشات بسیاری بود تا آنکه نهایتاً در پیون یک ملی زاده، معاون فنی اداره کل محیط زیست استان تهران در خصوص این نگرانی به ابنا گفت: اجرای این طرح از اولویت‌های درازی در سال ۹۴ خارج شده است و طرح اجرایی زینت محیطی این پروژه در اداره کل استان تهران بررسی در

مرحله اول همه گزینه‌هایی طرح شده در مورد احداث اتوبان رد شد. گل‌پلیس زاده همچنین افزود: شهرداری تهران پرسروزی را در ضلع شرقی تهران دارد که در مورد مسیریابی آن به توافق نرسیده‌اند. در مورد گزینه‌های دیگر نیز اگر مسیریها به تأیید کمیته ارزیابی برسد، پس از آن در مسوره روش فنی اجرای آن بحث می‌کنیم تا به اجازت رستم محیطی متشکل را ایجاد کند، اما ۴ گزینه‌ای که شهرداری تهران مطرح کرده بود در کمیته ارزیابی زیست محیطی استان تهران رد شده است. گفته معاون فنی محیط زیست تا حدودی توانست بسیاری از فعالان این عرصه را آرام کند هر چند همچنان نگرانی‌ها در خصوص حفظ حریم محدوده این پارک با برجاست.



فتح الله بی نیاز نویسنده و منتقد ادبی در گفت و گو با «شهر وند»:

بشر به چیزی فراتر از صلح نیاز دارد

بسیار خب گمان می‌کنید بزرگترین مشکلات و معضلات اجتماعی چیستند؟ این را چه چیزهایی هستند؟ کلیت ساختار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جامعه ما دارای مشکلات پرشماری است و ریشه باید تغییر کند. توصیه می‌کنم آثار لایبی و ترجمه‌های متعددی، مثلاً آفان ابن عرب الله فولادوند، دارپوش آشوری، ناصر کوهچی و حسین شیرینی را بخوانید تا به گوشه ناچیزی از این مشکلات پی ببرید. حتی تیتراک آن‌هاشیلز از ۱۰ هزار کلمه می‌شود و از صفحه روزنامه فراتر نمی‌رود.

بسیار خب گمان می‌کنید بزرگترین مشکلات و معضلات اجتماعی چیستند؟ این را چه چیزهایی هستند؟ کلیت ساختار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جامعه ما دارای مشکلات پرشماری است و ریشه باید تغییر کند. توصیه می‌کنم آثار لایبی و ترجمه‌های متعددی، مثلاً آفان ابن عرب الله فولادوند، دارپوش آشوری، ناصر کوهچی و حسین شیرینی را بخوانید تا به گوشه ناچیزی از این مشکلات پی ببرید. حتی تیتراک آن‌هاشیلز از ۱۰ هزار کلمه می‌شود و از صفحه روزنامه فراتر نمی‌رود.

منه صلح، قصه امروز نیست. شاید بتوان از دو مقاله «صلح و فوعدوستی» به‌مثابه مهم‌ترین ارکان انسانی یک جامعه یاد کرد. هر چه این دو مقاله فضای بیشتری را در افکار و ذهن مردم در پی جامعه پر کنند، آن جامعه به لحاظ «انسانی» فریفته تر است. اما مسأله‌های که در این میان واقع شده و می‌شود این است که پیش‌نیاز، محرک و عنصر تولید کننده صلح و فوعدوستی در یک جامعه، «عدالت» است. به طوری که صلح بدون عدالت، سست و نهمی‌بایه و خام است. عدالت ملی مردم یک سرزمین، از عدالت بهر چندی نبرده باشد، نمی‌توان به صلح و انسلیت، دل خوش داشت. چرا که در این شرایط، دوزخ از صلح و نوسمه و ترغیب مردم به آن، دلخوش‌کنکی بیش نیست. گرچه در کشورها و جوامعی که نظم مبادمی، صلح‌جوئی و فوعدوستی، چیز عینی نیست؛ «حتمالاً برای سیاست‌وری و سرگرم کردن خود مردم آن سرزمین. درباره‌ی این موضوع، با فتح‌الله بی‌نیاز، نویسنده و منتقد ادبی به گفت‌وگو نشستیم. او درباره‌ی صلح و انسان و شأن و در دنیای امروز پرسیدیم که پاسخ‌های او در ادامه می‌آید.



مجتبی یارسا
خبرنگار طرح نو

جنگ بر ضد دشمنی نقشه می‌کشند و هنگام صلح بر ضد مردم کشور خودشان توطئه می‌کنند» مراتب لوتر کینگ معروف کرد، «هر صلح تنها ثبات تنش نیست، حضور عدالت است.» و توماس مان باور داشت که: «جنگ یک جور فرار از بردانه از سختی‌های صلح است.»

باید در شصت و شش شرط کنونی دست بالا را چه کسی دارند؟ پوپتین آدمکش سلفی ک.گ.ب، با هفتاد میلیارد دلار نفوس و لاشرین و لوکر بغدادی یا کسانی چون گاندی و نلسون مندللا و واسلا هاول و هرمان منوفای هند و آفریقای جنوبی و چکا البته آن چند چنان‌یکار جنگی حرف‌های برای گفتن دارند. حتی به علم و تاریخ و باورهای دینی و مذهبی می‌شوم می‌نویسم. صلح یعنی فقدان جنگ و این، اما «ارت است» که در صلح است. «شگفتی تنها صورت نزدیک دارد به قول نیچه، «شگفتی تنها صورت نزدیک شدن روان‌های است» به راستی است، و انسان والا باید در برابر هر گنگ متشی، خشن یا ظریفه گوش تیز کند، و هر گاه که یک دفاکت می‌شرم یا ساسره اهل علم و زواری او سخن می‌گوید، این فرصت را بر خویشتن جیستمشمار.»

نه چنین، اما هر کس سعی کرد آن را بهشت کند، خصلت جهنمی آن را از قوت بر کرد.»

«دو مقاله «صلح و فوعدوستی» برای شما چه معنایی دارد و گمان می‌کنید لوازم و جود یا فقدان این دو چیستند؟

وقتی من و شما به خاطر چیز چیز به ظاهر ساده، یعنی «قدرت، ثروت، شوهرت، شپرت»، حق و حقوق دیگری را باطل کرده باشم، تازه می‌شوم انسانی ایستاده بر مداخل نادم، و اگر زمانی بخشی از وقت و امکانات خود را فارغ از نگرش سیاسی و اجتماعی و دین و مذهب و قومیت دیگران، صرف آنها کردیم - حتی اگر لحاظ فکری در تضاد با ما باشد - می‌شوم می‌نویسم. صلح یعنی فقدان جنگ و این، اما «ارت است» که در صلح است. «شگفتی تنها صورت نزدیک فلان گزند آدم در سراسر است چون درد نیست. بشر به چیزی فراتر از صلح نیاز دارد. به گفته‌های زور نگه‌کننده، اینچنین گفته‌های لنین (یک سیاستمدار توانا تالیست (دولت‌خواه) کوچک‌توجهی گم‌گم‌تست که او و پاراشا ده‌ها سال چندین و چند ملت را به ورطه فقر و فساد و کشتار کشاندند، و سپس به گفته‌های چپ‌افروشی فوعدوستی و متعکری بنده بشید.

لنین می‌گفت: «اما تاریخی خواجه صلح هستیم که به پیروزی خود در جنگ اطمینان نداریم. به محض این که چندان نیرومند شدیم که بتوانیم دشمنان را نابود کنیم، فورا وارد عمل می‌شویم.»

در نقطه مقابل، در کلت سال پیش گفته بود: «هر حکومتی که مردم حق رای نداشته باشد، تصمیم برده جنگ از سر بردن است.»

زبان‌های شما از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم (جامعه ایران) چیست؟ و این جامعه تا چه اندازه از یک جامعه ایده‌آل فاصله دارد؟

به عقیده من بهتر است با طرح این پرسش به شعور مخاطب توهمین نکنیم، زیرا جامعه ما به چنان حدی از فساد و بی‌بند و پارگی سیاسی و لایبندی اخلاقی رسیده و چنان مفاصلی بر همه بخش سیطره یافته است که باید در جای دیگری به آن پرداخت.



منه صلح، قصه امروز نیست. شاید بتوان از دو مقاله «صلح و فوعدوستی» به‌مثابه مهم‌ترین ارکان انسانی یک جامعه یاد کرد. هر چه این دو مقاله فضای بیشتری را در افکار و ذهن مردم در پی جامعه پر کنند، آن جامعه به لحاظ «انسانی» فریفته تر است. اما مسأله‌های که در این میان واقع شده و می‌شود این است که پیش‌نیاز، محرک و عنصر تولید کننده صلح و فوعدوستی در یک جامعه، «عدالت» است. به طوری که صلح بدون عدالت، سست و نهمی‌بایه و خام است. عدالت ملی مردم یک سرزمین، از عدالت بهر چندی نبرده باشد، نمی‌توان به صلح و انسلیت، دل خوش داشت. چرا که در این شرایط، دوزخ از صلح و نوسمه و ترغیب مردم به آن، دلخوش‌کنکی بیش نیست. گرچه در کشورها و جوامعی که نظم مبادمی، صلح‌جوئی و فوعدوستی، چیز عینی نیست؛ «حتمالاً برای سیاست‌وری و سرگرم کردن خود مردم آن سرزمین. درباره‌ی این موضوع، با فتح‌الله بی‌نیاز، نویسنده و منتقد ادبی به گفت‌وگو نشستیم. او درباره‌ی صلح و انسان و شأن و در دنیای امروز پرسیدیم که پاسخ‌های او در ادامه می‌آید.

برش

آموزش فضیلت‌ها



تا آنجا که مربوط به تربیت بچه‌ها می‌شود، فکر می‌کنم که به‌آنها فضیلت‌های ناچیز، بلکه باید فضیلت‌های بزرگ را آموخت. نه صرفه جویی را که سخاوت و او بی‌نهایتی به پول را نه احتیاط را که شهامت و حقیر و شمرود خطر را نه نریزگی را که صراحت و عشق و واقعیت را نه آرزوی توفیق راه که از بونی و دانستن را...

برشی از «فضیلت‌های ناچیز»

شاعر

فقر، فلاکت، سوء تغذیه و بیماری

شاعر، منتقد، دور افتاده در استان هرمزگان. کشاورزی از رونق افتاده و نیز برمد به دلیل ضعف شدید بهداشت و درمان و مصرف آب آلوده آب‌های آلاینه بیماری‌هاست که برمیگردد و عکس‌العملی را می‌بیند که شاعر پس از عترب گردیدگی از فرست، به مراکشی که ۳ ساعت تا روستا فاصله دارد منتقل شود.



منه صلح، قصه امروز نیست. شاید بتوان از دو مقاله «صلح و فوعدوستی» به‌مثابه مهم‌ترین ارکان انسانی یک جامعه یاد کرد. هر چه این دو مقاله فضای بیشتری را در افکار و ذهن مردم در پی جامعه پر کنند، آن جامعه به لحاظ «انسانی» فریفته تر است. اما مسأله‌های که در این میان واقع شده و می‌شود این است که پیش‌نیاز، محرک و عنصر تولید کننده صلح و فوعدوستی در یک جامعه، «عدالت» است. به طوری که صلح بدون عدالت، سست و نهمی‌بایه و خام است. عدالت ملی مردم یک سرزمین، از عدالت بهر چندی نبرده باشد، نمی‌توان به صلح و انسلیت، دل خوش داشت. چرا که در این شرایط، دوزخ از صلح و نوسمه و ترغیب مردم به آن، دلخوش‌کنکی بیش نیست. گرچه در کشورها و جوامعی که نظم مبادمی، صلح‌جوئی و فوعدوستی، چیز عینی نیست؛ «حتمالاً برای سیاست‌وری و سرگرم کردن خود مردم آن سرزمین. درباره‌ی این موضوع، با فتح‌الله بی‌نیاز، نویسنده و منتقد ادبی به گفت‌وگو نشستیم. او درباره‌ی صلح و انسان و شأن و در دنیای امروز پرسیدیم که پاسخ‌های او در ادامه می‌آید.